

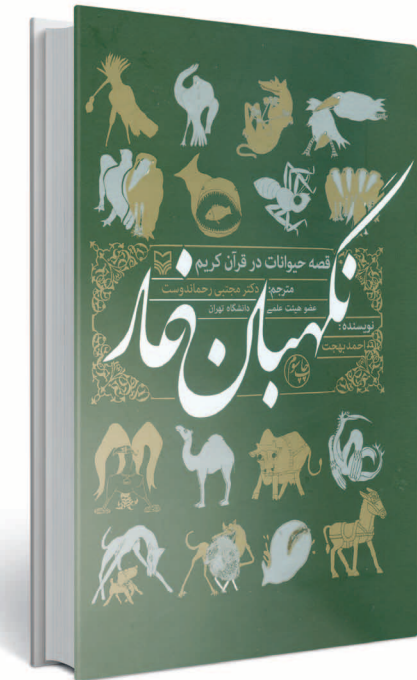


راویان الهی

زهره سادات میرعارفین

کتاب «نگهبان غار»، قصه حیوانات در قرآن کریم است که به قلم احمد شفیق بهجت، نویسنده مصری (۲۰۱۱-۱۹۲۳م/ ۱۴۳۲ق) تحریر شده است. نوع نگارش اثر در زبان مبدأ نیز چنان بوده که آن را در رده بندی گروه سنی نوجوان قرار داده اند. کتاب، مناسب با سن مخاطب و آراسته به تصاویری از حیوانات است. این مجموعه را مجتبی رحماندوست به نام «نگهبان غار» به فارسی برگرداند و از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ پنج بار در انتشارات سوره مهر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در تهران به چاپ رسید. این تعداد چاپ، نشانگر اقبال نوجوانان ایرانی به این کتاب است.

احمد شفیق بهجت، ادیب و روزنامه نگار،
فارغ التحصیل دوره کارشناسی حقوق از



نگهبان غار، احمد بهجت، مترجم: مجتبی رحماندوست، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۹



مجله معرفی و نقد کتاب‌های دینی عمومی

برای ترجمه آنها به زبان دیگر نبوده، چنان که رحماندوست، یکی از دلایل این توجه را «زاویه دید تازه» به بهجت در قصه هایش می‌داند. وی همچنین معتقد است که بهجت، علاوه بر قوت قلم، از قوه تخیل بسیار خوبی برخوردار

نگهبان غار

این مجموعه، شامل شانزده قصه بازنویسی و یا بازآفرینی شده از قرآن مجید است که در تمام آنها راوی، یک حیوان است. احمد بهجت، در مقدمه کتاب خود می‌نویسد که او هیچ‌گاه این حیوانات را به چشم یک حیوان نمی‌بیند؛ بلکه آنها را آیه‌ای از آیات الهی می‌داند.^۲

البته این نوع قصه‌نویسی در بین ادیبان، پیشینه‌ای دیرین دارد و در مشرق‌زمین، سرزمین‌های ایران، هندوستان و یونان، نویسندگان از زبان حیوانات، قصه‌های فراوانی را به نثر یا نظم تألیف کرده‌اند. نمونه مشهور آن در نثر، «کلیله و دمنه» و در نظم، «منطق الطیر» عطار نیشابوری است. علاوه بر شرقی‌ها، مردم قاره آفریقا با بیش از ۲۵۰ هزار قصه، فابل، افسانه، تمثیل و حکایت، سرآمد این نوع داستان‌گویی در جهان به حساب می‌آیند. به این نوع داستان‌ها «فابل» می‌گویند و به طور معمول، تمام فابل‌ها برای روایت قصه خود از یک طرح و الگوی واحد

بوده و برای جذابیت داستان هایش تنها به ذکر قصه قرآنی اکتفا نکرده است. با این همه، قوه تخیل نویسنده، خللی در اصل داستان قرآن وارد نکرده و نویسنده به عین قرآن، وفادار مانده است.^۱

پیروی می‌کنند. هدف عمده آنها بیان مطالب اخلاقی در قالب قصه و روایت‌اند. بهجت، علاوه بر به کارگیری شخصیت‌های حیوانی، به زبان داستانی و نوع روایت آن اهمیت داده است و سعی کرده از بازنویسی قصه و روش حکایت‌گویی - که دیگر کتاب‌های همسان از آن بهره گرفته‌اند - دوری کند. هرچند گاه متن از آسیب زبان حکایت، دور نمانده و راوی به جای نشان دادن و تصویرسازی، حوادث را گزارش کرده است. گاه نیز مترجم با آوردن کلمات غیرداستانی در ترجمه‌اش، باعث شده که زبان و لحن شخصیت‌ها، حلاوت زبان داستانی را نداشته باشد.

ناگفته پیداست آنچه در این گونه قصه‌گویی اهمیت فراوانی دارد، «جنبه سمبولیک نمایشی» آن است؛ اما «جنبه عبرت‌آموزی» آن نیز نباید از یاد برود. نویسنده این مجموعه نیز علاوه بر این دو عامل، از اهداف فابل‌نویسی دور نشده است. لذا اگر بخواهیم داستان‌های این مجموعه

را بر اساس اهداف فابل نویسی بکاویم، می‌توانیم در هر شانزده داستان، این اهداف را بیابیم: تعلیمی؛ اخلاقی؛ جبری یا تقدیری. برای مثال، داستان «ناقه صالح» از یک سو به دنبال نشان دادن قضا و قدر الهی‌ای است که به طور جبری، بعد از ذبح شتر، گریبانگیر قوم صالح می‌شود، و از سویی دیگر، راوی حکایت، مطلب آموزنده‌ای را برای خواننده خود بیان می‌کند. از این رو قصه، جنبه تعلیماتی و فهمیدنی دارد. داستان‌های عصای موسی، پرندگان ابابیل، الاغ عزیز و مانند آن، از این قبیل اند. اما برخی از داستان‌ها، شامل مضامینی اند که شیوه زندگی و خواست آدمی را به تصویر می‌کشند و به اخلاق و معنویتی می‌پردازند که به سعادت انسان‌ها منتهی می‌شوند. سگ اصحاب کهف، گرگ یوسف و هدهد سلیمان نیز در این دسته می‌گنجند.

یکی دیگر از خصوصیت فابل‌ها، جنبه «سمبلیک» آنهاست، به طوری که در این گونه داستان‌سرایی، هر یک از جانوران، نمونه و سمبلی از یک تیپ اجتماعی یا اخلاقی هستند.

ویژگی دیگر این داستان‌ها وجهه «انسان‌نگاری» آنهاست. حیوانات در این داستان‌ها هوشمندند و از عقل و درایت

انسانی برخوردارند؛ سخن می‌گویند و قادر به تجزیه و تحلیل مسائل هستند. مثل عنکبوت یا همان نگهبان غار که در صد بوسیدن دست پیامبر ﷺ برمی‌آید و به وی احترام می‌گذارد.^۳ پرندگان ابابیلش - که از مأموران سری خداوند هستند -، از نیروی نهفته در هسته اتم و کشف بمب در آینده خبر می‌دهند^۴ و یا سگ اصحاب کهفش طعم یتیمی را چشیده است.^۵

بنا بر این می‌توان گفت که این نوع فابل نویسی، در گام‌های اولیه خود توانسته مخاطب نوجوان را به خود جذب کند؛ اما هنوز راه فراوانی در پیش روی نویسندگانی است که قصد ورود به این گستره را دارند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. رک: نگهبان غار، احمد شفیق بهجت، مترجم: مجتبی رحماندوست، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۹ش، چاپ سوم، ص ۶.
۲. رک: همان، ص ۷.
۳. رک: قصص الحیوان فی القرآن، احمد شفیق بهجت، بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۰ ق، چاپ چهارم، ص ۳۶۴.
۴. همان، ص ۳۵۶.
۵. همان، ص ۲۸۷.